

«هر که در حافظه چوب بیند باغی
صورتش در وزش بیشه شور ابدی خواهد ماند
هر که با مرغ هوا دوست شود
خوابش آرام‌ترین خواب جهان خواهد بود»
سهراب سپهری

سخن سردبیر

در یک دهه پیش به شکل اندیشیده و آگاهانه‌ای با پیشنهاد اینجانب و پذیرش - البته نه آسان - اعضای هیئت تحریریه، مجله مجموعه مقالاتی در یک سرشاخه بسیار نو در حوزه دانش‌ها و فن‌آوری‌های مردمی (ستی، قومی، بوم‌زاد) در دانش نوپای و ترکیبی برون رشته‌ای " گیاه - مردم‌شناسی " ^۱ به چاپ رساند که تنها در هند دارای فصلنامه‌ای مرتب بود. ^۲ جالب این که پس از شماره ۵ و ۶ ما، این شماره ^۳ دومین شماره فصلنامه بود که به شکل شگفت‌آوری به سرعت نایاب شده و واکنش‌های مثبت بسیاری را کتباً و شفاهاً به دنبال داشت. همچنان در یادداشت

1. ethnobotny

۲- محمدحسین پناهی. «سخن مدیرمسئول (هفده سال تلاش پیگیر)»، فصلنامه علوم اجتماعی، ش ۳۶ (زمستان ۱۳۸۵)، ص چهار.

۳- فصلنامه علوم اجتماعی (ویژه نامه گیاه مردم‌شناسی)، ش ۳۴ و ۳۵ (تابستان و پاییز ۱۳۸۵)، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی.

مدیرمسئول مجله (دکتر محمدحسین پناهی)^۱ در آغاز شماره بعدی آن (شماره ۳۶) اشاره شده است که کسانی مانند دکتر ناصر فکوهی در سایت مشهور خود و دکتر علیرضا حسن زاده در روزنامه اعتماد ملی،^۲ این شماره را نقد و معرفی نمودند و سرکار خانم دکتر مقصودی نیز با لطف این شماره را در کلاس‌های خود معرفی و دانشجویان شان را به این حوزه جدید متوجه ساختند.

گفتنی است که در هشت سال گذشته و با چاپ و معرفی این سرشاخه در **فصلنامه علوم اجتماعی** در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی، هم اکنون پایان‌نامه‌های کارشناسی ارشد و دکتری^۳ در این سررشته و نزدیک به آن دفاع شده و برای نخستین بار مقالاتی در این زمینه در مجلات علمی - پژوهشی دانشکده‌ها و مجلات تخصصی سازمان میراث فرهنگی به چاپ رسیده است.

اکنون که شماره ۶۷ فصلنامه پیش روی شما قرار دارد، نشانه ادامه این سرشاخه نوین در حوزه دانش‌ها و فن‌آوری‌های سنتی در رشته مردم‌شناسی و استقبال پژوهشگران ایرانی در این زمینه است. این سرشاخه یکی از مهمترین و کاربردی‌ترین شاخه‌ها در این حوزه بوده و این امیدواری وجود دارد که به زودی بتواند منشأ خیر و برکات و اثربخشی در اقتصاد و محیط زیست ایران و در نتیجه در توسعه پایدار کشور ما گردد. حتی ضبط و ثبت بخشی از تجربیات چندین هزار ساله و غالباً فراموش شده مردم ما در انطباق با مسائل بوم زاد و جغرافیای طبیعی این مملکت می‌تواند به تحولات باورنکردنی و پیش‌بینی

۱- محمدحسین پناهی. همان منبع، صص یک تا ده.

۲- علیرضا حسن زاده. «ایران سرزمین انسان‌شناسی»، روزنامه اعتماد ملی، ش ۶۵۰ (۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۸۷)، ص ۸.

۳- مانند پایان‌نامه ارشد خانم منصوره رضوی در دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی اراک و رساله دکتری دکتر محمدحسین بارانی و رساله ارشد و دکتری دکتر محمد عوافی همت از دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران، که همه یا بخشی از آن در ارتباط با گیاه مردم‌شناسی می‌باشند.

گلخوشناسی گونه‌ای گل حسرت ... ۳

ناشده‌ای منجر گردد و برای مثال به تغییر الگوی کشت و به افزوده شدن گیاهانی زودرشد و بی‌نیاز به آبیاری در فصل تابستان و کشت گیاهان و درختان دیمی و نیمه دیمی که در شرایط کم آبی و اقلیم خشک ایران سازگار شده‌اند، بشود. این تحقیقات به شرط توجه دانشکده‌های کشاورزی و وزارتخانه‌های صنعت و پارک‌های علم و فن آوری در صنایع و فن‌آوری‌های دانش بنیاد، قابلیت و ظرفیت آن را دارند که به دانشی کاملاً زنده و پویا و توسعه‌یاری و آینده‌ساز تبدیل شوند.

برای نمونه مقاله نخست همین شماره به خواننده داننده و هوشمند نشان می‌دهد که چگونه یک گیاه کوچک و افتاده و دیده نشده می‌تواند این گونه در معیشت و زندگی و فرهنگ دست کم یک پنجم از سرزمین ایران که قلمرو رویش این گیاه خاص است مؤثر واقع شود، و در چند هزار سال گذشته در قحط‌سالی‌ها و تنگ‌سالی‌ها و گرانسالی‌ها رد پای عمیق خود را بر ادبیات شفاهی و دایره واژگان گیاه‌شناسی و غیره باقی بگذارد. گفتنی است که درباره این گیاه این دومین مقاله در فصلنامه است؛ در شماره ۶۳ نیز نوشته‌ای بسیار نو و متفاوت تر از این گیاه منتشر شده است^۱ که اگر پژوهشگران ایرانی بتوانند در هر دهه تنها یک مقاله در این زمینه را ارائه دهند به احتمال بسیار، جوانه تازه‌ای از نوع ایرانی آن را که «رویای سخن گفتن با گیاه درخت زبان خود آنها را»^{*} بر سرشاخه "گیاه مردم شناسی" خواهند افزود. این جوانه می‌تواند بیش از "گیاه مردم شناسی و چند رشته‌ای و یا حتی میان معرفی باشد.

مقاله دوم این شماره، نوشته اولین پژوهشگر خود ساخته، قدیمی، خویش فرما و پیشکسوت گیاه شناسی مردمی (قومی) ایران است که کتاب گیاهان وی

۱- "گلخوشناسی گونه‌ای گل حسرت ...". فصلنامه علوم اجتماعی، ش ۶۳ (زمستان ۱۳۹۲)، صص ۱-۲۲.
* «به نام خواندن آنچه دوستش می‌داریم، در حکم بهتر دوست داشتن آن است... رویای آن را در سر دارم که گل سرخ را نه تنها با واژه‌های معمول، بلکه با زبان خود او، به نام بخوانم» [کریستیان بوبن. نور جهان، ترجمه پیروز سیار، ص ۲۶].

پیش از انقلاب اسلامی به چاپ رسیده است و احتمالاً اولین کتاب یکصد صفحه‌ای در این زمینه باشد.^۱ امیدوارم که ایشان با توجه به ویژه نامه پیشین گیاه مردم شناسی و مقالات بعدی در این زمینه، این کار ارزشمند را در مقیاسی نوین پی بگیرند.^۲ ادبیات شفاهی کهگیلویه و بویراحمد بسیار غنی است و درباره

۱- یعقوب غفاری متولد سال ۱۳۱۷ در کهگیلویه و بویر می‌باشد. وی از تابستان ۱۳۴۶ که گروه تحقیقاتی بخش عشایری دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران به سرپرستی زنده یاد دکتر نادر افشار نادری بنیانگذار تحقیقات عشایری در کهگیلویه و بویراحمد تحقیقات خود را آغاز کردند، همکاری خود را با آنان آغاز کرد. این گروه از محققین معروفی از جمله: دکتر جواد صفی نژاد، هوشنگ کشاورز، عزیز رخس خورشید، حسن پارسا، خانم دکتر الویا رستریو (همسر دکتر نادر افشار نادری) تشکیل می‌شد، که نتیجه تحقیقات آنها انتشار ۶ جلد مونیوگرافی و یک جلد اطلس ایلات کهگیلویه و بویر احمد بود. یعقوب غفاری از این گروه تحقیقاتی خیلی چیزها و از جمله روش تحقیق را آموخت و در مقابل به عنوان فردی بومی و آگاه به فرهنگ مردم و مورد اعتماد آنها، موجب فراهم کردن تسهیلاتی برای گروه تحقیقاتی نامبرده شد. البته اعضای گروه در نوشته‌هایشان قدردانی لازم را از ایشان به عمل آورده‌اند. وی تا سال ۱۳۵۴ فقط با پژوهشگرانی که از داخل و خارج کشور برای تحقیقات به منطقه می‌آمدند همکاری می‌کرد اما از سال ۱۳۵۵ تصمیم گرفت که بطور مستقل به پژوهش درباره مسائل گوناگون کهگیلویه و بویراحمد ادامه دهد که نتیجه آن تألیف ۱۱ عنوان مقاله و کتاب می‌باشد.

۲- آثار یعقوب غفاری عبارتند از: - پوشش گیاهی کهگیلویه و بویراحمد شامل: نام محلی، محل رویش، اعتقادات، اشعار، طرز استفاده دارویی، غذایی، صنعتی و علوفه‌ای و سایر دانستنی‌های مردم درباره گیاهان منطقه به شماره ۱-۱۳۵۶/۵/۱۵ فرهنگ و هنر کهگیلویه بویراحمد. چاپ داریوش یاسوج ناشر مؤلف.

- "شیر فندین" و "گایل صاف صادق" (شیر زیرک و گاوه‌های صاف و ساده) یا گاو آخری، چاپ داریوش یاسوج چاپ اول ۱۳۵۷/۹/۱ ناشر مؤلف.

- نمونه‌ای از اشعار محلی مردم کهگیلویه و بویراحمد، چاپ امیر یاسوج ۱۳۶۲ ناشر مؤلف.

- بازی‌های محلی استان کهگیلویه و بویراحمد. نشر روایت تهران، چاپ اول ۱۳۷۴.

- شناسنامه ایلات و عشایر کهگیلویه و بویراحمد، نشر روایت تهران، چاپ اول ۱۳۷۴.

- تاریخ اجتماعی کوه گیلویه و بویراحمد، نشر گلها، اصفهان، چاپ اول ۱۳۸۷.

- مراسم عروسی و دگرگونیهای آن در کوه گیلویه و بویراحمد، انتشارات نقش مانا، اصفهان ۱۳۹۰.

- طب سنتی و تاریخچه طب جدید در استان کوه گیلویه و بویراحمد، انتشارات نقش مانا اصفهان ۱۳۹۱.

- غذاهای سنتی مردم بومی استان کهگیلویه و بویر احمد، انتشارات بهتا پژوهش اصفهان ۱۳۹۱.

گلخوشناسی گونه‌ای گل حسرت ... ۵

گیاهان منطقه منهای دانش گیاه شناسی ادبیات شفاهی فراوانی از قصه و شعر و ضرب‌المثل و آیین‌ها و باورها درباره گیاهان و درختان منطقه وجود دارد. برای مثال یک "ریزمردم نگاری" درباره بلوط خود به یک کتاب نیازمند است.*

- مقاله «روند فروپاشی سازمان ایلی و لزوم هدایت آن به سمت توسعه»، ارائه شده به کنفرانس بین‌المللی منعقد شده توسط وزارت امور خارجه، دانشگاه‌های اصفهان و شهرکرد با همکاری سازمان جهانی فائو (F.A.O) و مرکز تحقیقات علمی فرانسه (C.N.R.S) و مؤسسه اسکاندیناوی آفریقایی.

- مقاله‌ای با عنوان جنگل‌ها و مراتع و توسعه استان کهگیلویه و بویراحمد، چاپ شده در **مجموعه مقالات کنفرانس رشد و توسعه استان کهگیلویه و بویراحمد** توسط معاونت ترویج و مشارکت مردمی، ۱۳۷۳، و چندین مقاله دیگر.

* . رکورد نخست از آن یعقوب غفاری در این زمینه پیش از انقلاب ۴ صفحه بوده است. و بلافاصله پس از انقلاب در **نامه نور** چهار پنج صفحه دیگر [بلوط، **نامه نور**، ویژه نامه هنر و فرهنگ ایل بویراحمدی، ش ۱۰ و ۱۱ (اسفند ماه ۱۳۵۹، فرهنگسرای نیاوران، صص ۱۳۴-۱۳۹)] اضافه می‌شود همچنین از ۵ صفحه تا حد یک کتاب هزار صفحه‌ای درباره گیاه مردم‌شناسی در "دارخوشناسی" بلوط می‌توان سخن گفت و از آن آزادی آموخت.

بلوط جایگاه ویژه‌ای در میان عشایر و روستائیان در قلمرو رویش این درخت و فرهنگ آنان و حتی در کل ایران دارد. عطا طاهری پژوهشگر بنام و نویسنده بویراحمدی در کتاب **ارزنده "کوچ کوچ"** و در مقدمه آن و در اولین سطر مقدمه که با ترانه‌ای از ایل بویراحمدی آغاز می‌شود، در اولین مصراع و اولین آرزو از درخت بلوط سخن به میان می‌آید [عطا طاهری. **کوچ کوچ**، تهران، ۱۳۸۸، سخن، ص ۱].

در آخرین کتابی که به دستم رسیده است از نویسنده مقاله «کتیرا چینی (کتیرا زنی) در کوهمره»، یعنی آقای علی مدد نوری و همین کتاب یعنی **طلوع سبز** (تاریخ و فرهنگ مردم کوهمره، جروق) سبب شد که مولف سفارش چنین مقاله‌ای را به ایشان بدهم و خوشبختانه بدین گونه که ملاحظه می‌فرمایید به ثمر نشسته است.

ایشان نیز اولین فصل کتابش را با عنوان یادی از بلوط "بار دیرینه جروقیان" آغاز کرده و در سه صفحه خطاب به بلوط با وی درد دل می‌کند. اما در شرح تفصیلی درختان درختچه‌های کوهمره فقط نیم صفحه و ده سطر درباره آن می‌نویسد که ۵ سطر آن هم از فرهنگ فارسی معین است. [علی مدد نوری، **طلوع سبز** (تاریخ و فرهنگ مردم کوهمره جروق فارسی)، قم، ۱۳۸۳، نشر بکاء، صص ۶۲ و ۶۳]. یکی از مهمترین دلایل این آب رفتن‌ها به شیوه کار اغلب پژوهشگران ایرانی باز می‌گردد و آن به بی‌روشی و بی‌اطلاعی و نخواندن کار پیشینیان و ادبیات موضوعی مربوط به کار می‌باشد و این مسئله چنان در میان نویسندگان ایرانی از هر سن و هر درجه و هر کجا شایع و رایج است که می‌توان آنرا نه تنها در میان جوانان که در بین "پیش پژوهشگران و پیش کسوتان" مردم‌نگاری و مردم‌شناسان و شهرستان پژوهان محلی و غیرمحلی با تجربه‌تر نیز مشاهده کرد.

همچنان دانش و فناوری‌های مربوط به "نی" در خوزستان و دست ساخته‌ها و حتی معماری نین (نی وار) آن از جمله مزیف‌های قبایل عرب زبان خوزستان می‌تواند موضوع یک جلد کتاب مبسوط و مسحورکننده شود.

کمتر کسی در ایران یافت می‌شود که در شروع کارش مدتی به مطالعه ادبیات و پیشینه موجود آن موضوع و یا موضوعات نظیر بپردازد و آنگاه دست به قلم برد. و بدین گونه است که ما در علوم اجتماعی و به ویژه در مردم‌نگاری و پژوهش‌های محلی "پارچینه" (Pârçine) و یا "پیراچینه" (pirârçine) و به عبارت دیگر "نردبان" نداریم و همه "نوجینه" و "امروزچینه" اند! چرا که غالباً همه پله اول می‌سازند و چندباره کاری و کلی‌گویی و از هر چمن گلی بسیار است و حرف نو زدن کمیاب، بنابراین کمتر مقاله و یا کتابی است که پیشینه پژوهش داشته باشد. اگر مربوط به یک روستا است به پیشینه پژوهش در سطح دهستان و شهرستان و استان و روستاهای دیگر ایران نگاهی کرده باشد، اگر درباره منطقه‌ای از ایران است به سایر مناطق و اگر درباره یک شهرستان است کار سایر شهرستان‌ها را مطالعه کند. و بدین گونه قطع نخاع فرهنگی نویسندگان و پژوهشگران ایران در اغلب حوزه‌ها به یک بیماری واگیردار تبدیل می‌شود، که از هم‌گرایی و هم‌افزایی و از تبدیل توصیفات پراکنده به توصیفات دقیق تبیین برانگیز پیشگیری به عمل می‌آورد و نظریه‌پردازی را به تعویق می‌اندازد. پژوهشگران نو قلم کاری به "خط جاده‌ها" که یاران پیشین و یا رفته با قلم پا کشیده‌اند ندارند. انگار می‌خواهند جهان حتی با تولد خود آغاز کنند و از صفر بیاغازند و نخوانده ملا بشوند و غوره نشده حلوا. چنین شروع ابتدا به ساکنی اگر امکان داشته باشد، در کار علم و معرفت بسیار ناپسند است و شگفت آنکه به جز روش‌های تحقیق و کار عینیت یافته پژوهشگران علوم و از آن جمله علوم اجتماعی و مردم‌شناسی حتی پند شیرین شعرا و نظریه‌های یادگیری مستور در ضرب‌المثل‌ها هم در ما "در نمی‌گیرد" مانند این شعر عامیانه که:

هیچ کس در پیش خود چیزی نشد / هیچ آهن خنجری تیزی نشد / هیچ فنادی نشد استاد کار / تا که شاگرد شکر بیزی نشد.

حافظ گفته است: «شبان وادی ایمن گهی رسد به مراد / که چند سال به جان خدمت شعیب کند»
 خواجه عبدالله انصاری گوید: «روزان و شبان به گرد و مردان می‌گرد / مردی گردی چو گردِ مردی گردی»
 [امثال و حکم دهخدا، ج ۱، ص ۲۲۸].

مطالعه نوشته‌های دیگران نیز و پیشکسوتان و پیشینیان هر رشته نیز، سررشته‌ای برای شاگردی است و خود فی‌الغالبه شاگردی است، و این شاگردی نه برای جوانان که برای پیران در راه‌های سخت نیز ستوده است: «بی‌پیر مرو تو در خرابات / هر چند سکندر زمانی» [همان، ص ۴۸۴].

در این مورد مثال‌های بسیار دیگری نیز وجود دارد. مثلاً می‌توان به وجود درختچه زیبا و خودرویی به نام استبرق (خَرک، غرق، کرک^۱) که روزگاری بخشی از صنعت بافندگی پیشرفته ایران و مناطق دیگری از خاورمیانه و مسلمانان بوده و اکنون این صنعت به طور کلی فراموش شده است و قرآن کریم از آن به عنوان جامه و فرش بهشتیان یاد کرده است،^۲ اشاره کرد. اطلاعات اندک فعلی ما نشان می‌دهد که این گیاه در سراسر ایران و در جنوب "خط خرما" به شکل دیم می‌روید. در صنایع پارچه‌بافی و برق (الکتریسیته) و داروسازی می‌تواند کاربردهای فراوان غیرقابل جایگزین و منحصر به فرد داشته باشد. همچنین به دلیل زیبایی و کیفیت گل‌ها و گل‌آذین آن، سزاوار کار اصلاح نژاد بر روی گل‌های زیبا و خوشرنگ این درختچه در باغبانی و گلکاری می‌باشد. اما برای بازآفرینی و بازتولید دانش‌ها و فنون و ماشین‌های مربوط به آن طبیعتاً نیازمند کار همراه با عشق و علاقه باستان‌شناسان، مردم‌شناسان، مورخان، ادیبان، گیاه‌شناسان، داروشناسان، فیزیكدانان و شیمی‌دانان و مهندسی‌های گوناگون ... می‌باشیم.^۳ و از آن جمله کار بر روی گل و ایجاد تنوع در اندازه و رنگ‌های گل که در شکل طبیعی آن نیز بسیار زیبا و چشمگیرند.

نمونه دیگر این گیاه، گیاهی فراوان و مقاوم و پیش پا افتاده و خودرو به نام "لوئی" در سراسر ایران است، که هر جا آب روان و سطحی و "زه‌زار" وجود داشته باشد به سرعت آن جا را به تسخیر خود در می‌آورد، مانند اطراف

۱- محمدهاشم نوری. «کرک در دلگان. (کدیبونن)، ص ۲، کارنوشته دانشجویی.

۲- در قرآن کریم این واژه چهار بار در سوره‌های انسان (الدهر) آیه ۲۲ و کهف آیه ۳۱ و دخان آیه ۵۴ و رحمان آیه ۵۵ تکرار و در هر چهار جا به عنوان نعمت الهی بر بهشتیان بشارت داده شده است.

۳- درباره این درختچه خودروی شگفت‌آور نک به:

مرتضی فرهادی. گیاه مردم‌شناسی گیاهان خودروی کمره، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۳۵-۳۴. و یا در کتاب کمره‌نامه، تهران، ۱۳۹۴.

چشمه‌ها، جوی‌ها، رودخانه‌ها، مرداب‌ها، برکه‌های آب و آب‌بندان‌ها (سلخ)‌ها و به ویژه آب‌های دائم. در گذشته نه چندان دور در سیستان و بلوچستان که دارای حقایق فراوان از رودخانه‌های سرچشمه گرفته از کوه‌های افغانستان پیش از احداث سد بر روی رودخانه هیرمند بود و همچنین در کنار رودخانه‌های پرآب خوزستان و هورهای آن بسیار فراوان بوده و هنوز نیز هست و طبیعتاً چنین گیاهی در مناطق پرآب شمال و شمال غربی ایران نیز فراوانتر می‌روید.^۱ این گیاه در مناطق گوناگون ایران - طبق معمول - که در مقاله «گیاه مردم‌شناسی گیاهان خودروی کمره» ملاحظه می‌کنید، دارای نام‌های گوناگون فراوانی می‌باشد که نام فارسی گیاه‌شناسی آن لوئی و گرز می‌باشد. در استان مرکزی به آن گرزول^۲ و گرزول گویند^۳ و در خوزستان به آن "بردی" و در سیستان و بلوچستان "لوخ" گویند.

بنابر پژوهش خانم منصوره رضوی در خوزستان و سیستان و بلوچستان از سنبله‌های نر و فوقانی لوئی فرآورده فوق‌العاده و گران‌قیمتی به نام "خریط" تهیه می‌شود که در سیستان و بلوچستان به آن "قواریت" گویند. این فرآورده به جز در خوزستان و سیستان و بلوچستان، دارای خریداران زیادی در کشورهای عربی است.

۱- خوشبختانه در ایران امکانات خدادادی فراوان است، اما نیازمند دست‌ها و فکری است که خود را برای کار و کارآفرینی و توسعه و تعالی این مملکت آماده کرده باشند. یک ضرب‌المثل زبانزد ایرانی می‌گوید: «در دره خیار بسیار، مرد می‌خام بره بیاره!»

2. karrazul

۳- مرتضی فرهادی. گیاه مردم‌شناسی گیاهان خودروی کمره، فصلنامه علوم اجتماعی، ش ۳۴-۳۵ (تابستان و پاییز ۱۳۸۵)، ذیل گرزول.

گلخوشناسی گونه‌ای گل حسرت ... ۹

محصول فرآوری شده در بازارهای محلی شادگان و دشت آزادگان در سال ۱۳۹۳ هر کیلو تا سقف ۷۰ هزار تومان به فروش می‌رفته و به صورت سفارشی از سوی کشورهای عربی خلیج فارس تا مبلغ کیلویی ۱۲۰ هزار تومان خریداری می‌شود.^۱ اما فایده این گیاه تنها فایده غذایی و دارویی سنبله و پرچم‌های نر آن نیست. در اغلب مناطق ایران در طول تاریخ از سنبله‌های ماده آن در تهیه سخت‌ترین و ماندگارترین ساروج در بناهای مربوط به سد و بند و پل و حمام و به ویژه خزینۀ آن و ساختمان‌های عظیم و شکوهمند استفاده می‌شده است. در برخی مناطق ایران همچون نیمه‌ور محلات از گُرک‌های میوه آن به نام "گُرک" برای مقاوم کردن گچ شمشه‌های طاق و به عنوان آرماتور در معماری استفاده می‌کرده‌اند.^۲ همچنین این گیاه در اطراف رودخانه‌ها و مرداب‌ها و جریان‌های آبی همچون پالاینده، پالایشگر، فیلتر و صافی عمل کرده، سموم و فلزات سنگین را در خود جذب و تثبیت می‌کند.

در طب سنتی ایران محصول "خریط" (قواریت) دارای خواص دارویی گوناگون بوده و در بیماری‌های قلبی، چشمی، دیابت و غیره کاربرد داشته و بر این باورند که سبب آرامش و تنظیم خواب می‌گردد.^۳

این مقالات و مقالات شماره ۳۴-۳۵ ما یکی از نوآوری‌های فصلنامه، در حوزه مقالات مردم‌شناسی آن بوده است. برای مطالعه بیشتر این سرشاخه، خواننده علاقمند

۱- منصوره رضوی. «خریط، دانش بومی فرآوری سنتی گیاه (لونی)»، فصلنامه تخصصی "اوج"، س ۱، ش ۲ (پاییز ۱۳۹۳)، معاونت میراث فرهنگی خوزستان، ص ۱۹.

۲- مرتضی فرهادی. «نیمه‌ور، کهنسال نام آور»، فصلنامه راه دانش، ش ۷ و ۸ (پاییز و زمستان ۱۳۷۵)، اداره کل ارشاد اسلامی استان مرکزی (استان اراک)، ص ۵۵.

۳- منصور رضوی. همان منبع، ص ۲۱.

مقاله سوم این شماره "پیشینه و اهمیت گیاه مردم‌شناسی" برگرفته از پایان نامه کارشناسی ارشد ایشان با عنوان گیاه مردم‌شناسی گیاهان ایزه خوزستان می‌باشد.

می‌تواند به یادداشت سردبیر آن شمار «نوبرنارس گیاه مردم‌شناسی»^۱ و همچنین در یادداشت مدیرمسئول فصلنامه در شماره ۳۶^۲ و پیشینه و اهمیت، گیاه‌شناسی مردمی و گیاه مردم‌شناسی در ایران در مقاله «گیاه مردم‌نگاری...»^۳ در شماره ۳۴-۳۵ و دیگر مقالات شماره ۳۴-۳۵ مراجعه کند.

افزون بر این، در این فاصله ده ساله چند مقاله دیگر در این حوزه، در فصلنامه علوم اجتماعی و دیگر مجلات دانشکده علوم اجتماعی به چاپ رسیده است^۴ که شروع خوبی برای این سرشاخه از دانش‌ها و فناوری‌های سنتی و بومی در ایران است. گفتنی است در دهه، پانزده سال گذشته دانشکده کشاورزی دانشگاه تهران^۵ و همچنین دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان^۱ و همچنین سازمان

۱- مرتضی فرهادی، "نوبرنارس گیاه مردم‌شناسی"، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۳۴-۳۵، (تابستان و پاییز ۱۳۸۵)، صص ۱-۱۱.

۲- محمدحسین پناهی، "یادداشت مدیرمسئول، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۳۶، (زمستان ۱۳۸۵)، صص یک تا نه.

۳- مرتضی فرهادی، "گیاه مردم‌شناسی گیاهان خودروی کمره"، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۳۴-۳۵، (تابستان و پاییز ۱۳۸۵)، صص ۴۰-۱۳.

۴- حسین بارانی؛ بهاره بهمیش؛ محمدرضا شهرکی. «دانش بومی گیاهان دارویی منطقه چهار باغ از مراتع استان گلستان»، دانش بومی، شماره ۲ (بهار ۱۳۹۱)، صص ۶۱-۸۶.

- مرتضی سالمی قمصری، کاوه فرهادی، "گوشه‌ای از انسان‌شناسی دانش‌ها و فن‌آوری‌های سنتی کار ابزارهای سنتی گلابگیری در قمصر"، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۴۸.

- اسفندیار عباسی، پژوهش دانش بومی: شمشیری دو لبه در عصر تجارت جهانی مورد گیاه‌شناسی بومی، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۵۳.

- زهره میردیلمی؛ غلامعلی حشمتی؛ حسین بارانی. «مطالعه اتنوبوتانی و اتنواکولوژی گونه‌های دارویی کچیک استان گلستان»، دانش بومی، شماره ۱ (زمستان ۱۳۹۰)، صص ۱۲۵-۱۵۰.

- دکتر مرتضی فرهادی، گلخوشناسی گونه‌ای گل حسرت؛ جوغاسم (جی غال اسمک، پیشوک، پیغوک، ...)، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۶۳.

۵- محمد عواطفی همت، تقی شامخی. دانش‌ها و فن‌آوری‌های سنتی مردم جنگل نشین در استفاده از برخی محصولات غیرچوبی قابل رویش در جنگل؛ مطالعه موردی روستای چیتن، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۴۳-۳۵.

میراث فرهنگی^۲ فعالیت‌ها و مطالعاتی را شروع کرده‌اند که بخشی از آن پژوهش‌ها در ده سال گذشته در فصلنامه علوم اجتماعی و برخی در دو شماره فصلنامه دانش بومی ایران^۳ به چاپ رسیده است. در همین شماره نیز از دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان دو مقاله را ملاحظه می‌فرمائید.

در همین جا باید از استادان گرامی این دو دانشکده که نام و نشان آنها در پاورقی آمده است و دانشجویان و علاقمندان کوشای آنها و همچنین از دانشکده علوم اجتماعی تهران آقای دکتر ناصر فکوهی و سرکار خانم دکتر منیژه مقصودی و آقای دکتر نصرالله عسگری از دانشگاه بین‌المللی امام خمینی قزوین که در این مدت با ما همکاری کرده و دانشجویان خود را به این سرشاخه نویی از حوزه دانش‌ها و فن‌آوری‌های سنتی در رشته مردم‌شناسی ایران متوجه و آنها را تشویق کرده‌اند سپاسگزاری کنیم. باشد که بتوانیم بخش کوچکی از پتانسیل فرهنگی و دانش صریح و ضمنی سنتی ایرانیان در زمینه

- حسین بارانی، علی اکبر مهرابی، محمدرضا مقدم ترکیب و تفکیک و تولید گله در البرز شرقی، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۱۶-۱۵.

۱- حسین بارانی. تقویت و غنی سازی واژه نامه‌های علمی و تخصصی با استفاده از دانش و فن‌آوری‌های سنتی؛ (بررسی موردی: واژگان تخصصی مرتع‌داری در بین شبانان البرز شرقی)، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۳۵-۳۴.

- حسین بارانی، رضا شهرکی. فرهنگ و دانش عامیانه (مطالعه موردی: شیوه‌های سنتی و دانش بومی شترداری)، دانش‌های بومی ایران، شماره ۱.

- سیده زهره میردبلمی، غلامعلی حشمتی، حسین بارانی. مطالعه اتنوبوتانی و اتنواکولوژی گونه‌های دارویی کچیک (مطالعه موردی مراتع کچیک در شمال شرق استان گلستان)، دانش‌های بومی ایران، شماره ۲.

۲- هما حاجی علی محمدی، فن‌آوری تهیه ذغال در شمال ایران پژوهشی در حوزه دانش بومی، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۳۵-۳۴.

- محمد میر شکرایی. گل سرخ و فناوری تولید گلاب، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۳۵-۳۴.

- هما حاجی علی محمدی، مریم تقوی شیرازی، عبدالباسط قربانی. اطلس مردم گیاه درمانی ایران، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۳۵-۳۴.

۳- این فصلنامه به دلیل جلوگیری از چاپ کارهای سطحی و دم‌دستی از سال ۱۳۹۳ تبدیل به دو فصلنامه دانش‌های بومی ایران گردید.

فرهنگ گیاه‌شناسی و "گیاهداری" بازمانده در ایران که میراث و گنجینه‌ای چند هزار ساله است را به ثبت برسانیم. نباید فراموش کرد که ایران و بین‌النهرین و کشورهای خاورمیانه یکی از مهمترین مراکز تولید کشاورزی و دامداری در جهان بوده‌اند و ایران و عراق نخستین کشورهای جهان هستند که پا در راه یکجانشینی و تولید کشاورزی و دامداری گذاشته‌اند و سرشار از تجربیات گرانبهایی بوده‌اند که متأسفانه در یک قرن گذشته به دلایل گوناگون و از آن جمله به دلیل آسیب‌های بیماری هلندی و دور شدن از فرهنگ تولیدی، بسیاری از این تجربیات همچون برف در آفتاب تموز در حال کم شدن و گم شدن و از دست رفتن می‌باشند و هر ذره بازمانده از این میراث در آینده می‌تواند برای کشورهای ما و خاورمیانه و جهان ارزشمند باشد.

ما در همین جا از دانشگاه‌های ایران و پارک‌های علم و فن‌آوری و سازمان میراث فرهنگی و همچنین از پژوهشگران خویش فرمایی که در سراسر ایران به راهنمایی نیروی عشق به سرزمین و دانستن، به دنبال ضبط گوشه‌هایی از دانش‌ها و فن‌آوری‌های سنتی ایران هستند، تا بلکه بشود افزون بر فواید شناختی و علم محض و هویت‌یابی همچنین یاری به بومی‌سازی در برخی صنایع و بازسازی فنون از یاد رفته و بازتولید روش‌های فرآوری مواد اولیه به شکل کاربردی از این گنجینه و آفرینندگی‌های گروهی و ملی در شاخه‌های گوناگون صنعت و تولید کشاورزی و دامداری استفاده به عمل آید، تقاضا داریم که همچنان به یاری **نیمسالنامه دانش‌های بومی ایران**^۱ که جوانه‌ای برآمده از فصلنامه علوم اجتماعی است و اکنون اولین شماره خود را به چاپ رسانده و هم اکنون دومین شماره آن زیر چاپ می‌باشد، بشتابند و شک نکنند که هر اطلاع کوچکی در این زمینه می‌تواند در آینده برای ما کارساز باشد.

اکنون مدتی است که کار بر روی گیاه استبرق ذهن مؤلف را به خود مشغول ساخته است و در همین جا از پژوهشگران جنوب خط خرما در ایران تقاضا می‌شود که به این گیاه و تجربیات بازمانده از آن در تاریخ و فرهنگ استان‌های جنوبی ایران توجه

ویژه معطوف کنند و در این راه ما به کار بسیاری از پژوهشگران رشته‌های علمی و مهندسی‌های گوناگون نیازمندیم.

از باستان‌شناسان گرفته^{۱*} تا مردم‌شناسان و تاریخ‌شناسان صنعت بافندگی^۲ و تاریخ اقتصاد در ایران و جهان، تا گیاه‌شناسان و داورشناسان و شیمیدانان و فیزیکدانان برای بازتولید مواد اولیه و کارگاههای ساخت و پرداخت الیاف میوه استبرق که به شکل طبیعی و خودروی در اغلب مناطق و جنوب خط خرما می‌روید و رشته‌های مهندسی نساجی و رنگرزی و بافندگی و پژوهشگران پارک‌های علم و فن‌آوری تا شاید بشود دوباره به احیاء صنعت دیبای شوشتری و استبرق‌بافی دست زد. چرا که به نظر می‌رسد همین یک گیاه خود می‌تواند در بسیاری از رشته‌ها برای ما سرمنشاء خیر و برکت باشد، و در دنیای رقابت‌های شدید صنعتی و اقتصادی به قول "جان کیم" و "رنه موبورگنه" در کتاب **استراتژی اقیانوس آبی**، فن‌آوری بی‌رقیبی باشد که به راحتی بتوان در آن شنا کرد! و اگر قدرت‌های صنعتی جهان و گروه‌های همسود داخلی آنان به کشورهای نظیر ما اجازه نمی‌دهند تا دست کم چادر نماز زنانمان را خود بیافیم شاید بشود فارغ از این جو

۱- «آقای علی حاکمی در حفاری‌هایی که در دشت لوت انجام داده‌اند، در شهادت مقداری پارچه مربوط به هزاره سوم پیش از میلاد به دست آورده‌اند که متأسفانه هنوز جنس الیاف آنها مورد تجزیه قرار نگرفته... وی می‌نویسد: "قطعات مختلف پارچه‌هایی که در مقابر پیدا شده سخامت و نازکی و طرز بافت آنها را کاملاً مشخص می‌دارد. در داخل ظرف کوچک فلزی مقدار کمی پارچه یافت شد که نسبتاً سالم مانده است چون... در کنار مفرغ قرار داشته است. از روی این نمونه می‌توان به رنگ و بافت پارچه پی برد." [عبدالحمید نیر نوری، سهم ارزشمند ایران در فرهنگ جهان. ج ۱، تهران، ۱۳۷۵، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ص ۲۴۱]. اما شاید مهمتر از رنگ و بافت این پارچه‌های یافت شده در مناطق مختلف ایران، جنس این الیاف است. که اگر جنس آنها استبرق باشد آنگاه شاید بتوان به شیوه فرآوری آن دست یافت.

* . پارچه‌های یافت شده در غار "کمر بند" و "هوتو" با آزمایش کربن ۱۴، چیزی در حدود ۶۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح را نشان می‌دهد [همان منبع، ص ۲۴۱].

۲- «هم اکنون بیش از شصت نمونه از پارچه‌های عهد ساسانی در موزه‌ها و کلیساهای جهان موجود است.» [همان، ص ۲۵۶]. بر باستان‌شناسان ایرانی است که در پی کشف راز و رمزهای این نوع دیبای و راز و رمز فرآوری میوه درختچه استبرق (غرک، کرک، غرق...) و تنیدن آن به شکل تار و پود باشند.

رقابتی حاکم اجازه بیایم برای آنها و زنان مسلمان جهان صنعت بافندگی لباس و مفرش بهشتی راه دوباره به کار بیندازیم!

در پایان باید اضافه کرد که **فصلنامه علوم اجتماعی** در ایران نه تنها شروع کننده و معرفی کننده این شاخه از حوزه دانش‌ها و فن‌آوری‌های سنتی در ایران بوده است، که در این زمینه یعنی "گیاه مردم‌شناسی" در ایران، بالاترین رکورد را - دست کم به شکل کمی و در سطح ملی - از آن خود کرده است. چه خوب است که رکوردگیری از رکوردگیری‌های یک ثانیه‌ای و یک گرمی و میزان دوندگی و جهندگی مسابقات ورزشی و بردن هُمانه پر باد از این سوی به آن سوی میدان و غیره که لازم هم هست، به رکوردهای غیرورزشی و حتی ضدورزشی و سلامتی و در حد خودکشی دنیای علوم و پژوهش‌های وطنی و بومی نیز کشیده شود، که خوبی را در همه جا باید دید و به سوی خود کشید.

گفتنی است که شروع کار "گیاه مردم‌شناسی" در ایران، غالباً درباره گیاهان خودرو یا خوراکی و یا دارویی و صنعتی یک منطقه بوده است و در ده سال گذشته پژوهشگران توانسته‌اند در مواردی عمق و دقت و درجه کار را تا حد یک مقاله برای یک گیاه ارتقاء دهند. در همین شماره خواننده علاقمند می‌تواند این مسئله را برای "جی غال اسمک (جوگاسم)" و یک نوع قارچ ملاحظه کند. گفتنی است که درباره "جوگاسم" این کار به دو مقاله نیز ارتقاء یافته است،^۱ و البته چنین کاری آسان نیست و افزون بر انواع از پیش‌آمادگی، به کار مستمر و عاشقانه نیز نیازمند است. برای مثال همین مقاله "جی غال اسمک" در این شماره دست کم ۶ ماه وقت نگارنده و حدود سه ماه وقت سیزده دانشجوی کوشنده و علاقمند را در سال‌های گذشته به خود معطوف داشته است. یعنی به طور متوسط برای هر کار نوشت یک هفته. امیدوارم تا دیر نشده است و برای گام نخست، برای هر گیاه این سرزمین در این سر شاخه برون رسته‌ای؛ بشود به اندازه یک مقاله مطلب از ایران گردآوری کرد و همانگونه که چند بار گفته‌ام اگر چه

۱- مقاله پیشین ما درباره «گلخوشناسی گل حسرت»، در شماره ۶۳ فصلنامه به چاپ رسیده است.

آرزو برای پیران عیب است، اما آرزوی پیران برای جوانان برومند این سرزمین عیب و عجیب نیست.

ممکن است کسانی به این سخنان بخندند و یا از این همه نابهنگامی روی ترش کنند و یا برای این روان‌پریشی‌های "نسل نادری از شاعران گیاهی"^۱ دل بسوزانند، اما چه می‌شود کرد: «نفرت "پروست"^۲ از آفتاب و یا انزجار "سارتر"^۳ از درخت برای من نشانه بارز... جامعه بیمار است.»^۴

با شروع کار نیمسالنامه دانش‌های بومی ایران، از این پس فصلنامه علوم اجتماعی این موضوع و موضوع‌های همانند در حوزه دانش‌ها و فن‌آوری‌های بومی و سنتی را به آن مجله واگذار می‌کند و در مردم‌شناسی فرهنگی ایران به دنبال موضوعات نوی دیگری می‌گردد. گفتنی است که فصلنامه در ربع قرن گذشته در حدود چهل مقاله در حوزه‌های گوناگون مردم‌شناسی به چاپ رسانیده^۵ * که اغلب آنها با شکل نسبی نو و بیش از ۳۰ درصد مقالات این حوزه نخستین مقاله مستقل در زمینه خود بوده‌اند که در جامعه پرتکرار علمی و پژوهشی ما این پدیده‌ای نادر است.

مرتضی فرهادی

۱- مصراعی از سروده چاپ نشده و معلول "بوجه" از مؤلف.

۲- "مارسل پروست" (Marcel Proust) ۱۸۷۱-۱۹۲۲، نویسنده فرانسوی.

۳- "ژان پل سارتر" (۱۹۰۵ - ۱۹۸۰) فیلسوف و نویسنده مشهور فرانسوی.

۴- کریستیان بوین. نور جهان، برگزیده لیدی داتاس، تهران، ۱۳۸۵، نشر آگه، ص ۳۴.

۵- نک به: مرتضی فرهادی. مقاله‌شناسی شخصت شماره فصلنامه، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۶۱.

* لازم به یادآوری است که مقالات مردم‌شناسی که از شماره ۶۱ به بعد چاپ شده‌اند نیز به فهرست مقاله‌شناسی شماره ۶۱ افزوده شده‌اند.